

زمینه افزایش تولید در دولت دوازدهم



علی لشگری
عضو نمایندگان اتاق بازرگانی ایران

یکی از مباحث مهم در بحث تولید، هماهنگی بین صنایع بالادستی، میان‌دستی و پایین‌دستی است به‌ویژه در موادی نه به‌وسیله بورس کالا عرضه می‌شود که به نظام رگولاتوری (نظام هماهنگی میان بالادستی‌ها و پایین‌دستی‌ها) معروف است. نتیجه این هماهنگی

تنظیم عرضه محصول و بازار تقاضا خواهد بود و خود یک سرشاخه به‌شمار می‌رود و دیگر نیازی نیست مواد اولیه‌ای که در داخل نیاز است به خارج از کشور صادر شود. با هماهنگی بین تمام صنایع، مواد اولیه موردنیاز در اختیار صنایع پایین‌دستی قرار می‌گیرد تا تولید اتفاق بیفتد و در ادامه خود این تولید مانع نوسانات قیمتی مواد اولیه می‌شود.

مسئله دیگر بحث بالا بودن قیمت تمام‌شده در داخل است. بخشی از قیمت بالا مربوط به عواملی است که در اختیار صاحب بنگاه تولیدی نبوده بلکه عواملی است که دولت‌ها باید روی آن نظارت داشته باشند تا چرخه تولید دچار اختلال نشود. بخشی از قیمت تمام‌شده مربوط به هزینه‌های سربار است و این سربارها زمانی که تورم کاهش پیدا کند از شاخص بهای تولیدکننده نیز کاسته می‌شود همان‌طور که قیمت مواد اولیه نیز رشد نخواهد داشت.

اما از سوی دیگر بخشی از قیمت تمام‌شده مربوط به متغیرهایی است که ارتباطی به واحدهای تولید ندارند و مربوط به بخش‌های دولتی است مانند حمل‌ونقل، مالیات ارزش‌افزوده، بیمه تامین اجتماعی و... که تاثیر مستقیم و غیرمستقیم روی هزینه‌های سربار واحدهای تولیدی دارد. باید دولت دوازدهم روی این مباحث مدیریتی اعمال کند تا صنایع و واحدهای تولیدی با این نوع هزینه‌ها روبه‌رو نشوند؛ هزینه‌هایی که مدیر واحد و مدیر تولید مسئول آن نیستند. به طور نمونه در بحث مالیات ارزش‌افزوده به‌ویژه برای صنایع پایین‌دستی چون حلقه‌های آن به‌طور کامل طراحی نشده در عمل واحدهای تولیدی در بخشی از مواد اولیه که تهیه می‌کنند نمی‌توانند فاکتور رسمی بگیرند و در ادامه بخشی از واحدهای پایین‌دستی اگر بخواهند محصول خود را به فروش برسانند حاضر نیستند فاکتور بگیرند یعنی حاضر نیستند مالیات ارزش‌افزوده را بپردازند. در نتیجه تولیدکننده در میانه کار باقی می‌ماند و باید هزینه بیشتری را متحمل شود تا بتواند پاسخ‌داری را بدهد.

اگر قرار است مالیات ارزش‌افزوده به نفع تولید باشد باید این حلقه کامل شود و به سمتی رفت که این زیرساخت‌ها درست شود. اگر حلقه‌ها کامل شود واحدهای تولیدی که مواد اولیه خود را تهیه می‌کنند ارزش‌افزوده آن را خواهند داد و از سوی دیگر شبکه توزیع و پخش که محصول را می‌گیرند حاضر به گرفتن فاکتور می‌شوند.

امروز بسیاری در حلقه تولید این کار را انجام نمی‌دهند و این مصرف‌کننده نهایی است که باید این مالیات را بپردازد و چون مصرف‌کننده نهایی این مالیات را پرداخت نمی‌کند همواره تولیدکننده با این مشکل روبه‌روست.

ضمن آنکه خود بنگاه‌های تولیدی نیز باید در جهت توانمندی خود تلاش‌های لازم را انجام دهند و یکی از بحث‌های لازم، تولید در مقیاس است. اگر تولید در ظرفیت پایین انجام شود به این دلیل که واحدهای تولیدی زیرساخت‌های لازم را ندارند قیمت تمام‌شده بالا می‌رود. در این امر دولت‌ها می‌توانند زمینه‌ساز برقراری ارتباط واحدهای تولیدی با بازار جهانی باشند. به این ترتیب که وزارت امور خارجه به وسیله دیپلمات‌ها و وابسته‌های بازرگانی خود وظایف اقتصادی را نیز به عهده بگیرد. آنها می‌توانند فضا را باز کنند تا صنعتگر ایرانی به نمایشگاه‌های بین‌المللی ورود کند، اطلاعات بازار رقیب را در اختیار داشته باشند و به طور کلی مزیت رقابتی را در خود به وجود آورند. این امور مجموعه سیاست‌هایی است که در حوزه دولت و بنگاه‌های اقتصادی و نیز حوزه کسب‌وکار باید به‌وجود آید تا روند تولید به‌سهولت انجام شود.

امروز دنیا برای فروش تلاش دارد. حجم سرمایه‌گذاری‌هایی که کشورهای صنعتی دارند برای بازاریابی و توزیع و فروش است چون به نوعی تولید در دنیا راحت شده همان‌طور که دسترسی به مواد اولیه، منابع مالی، فناوری و... آسان شده اما تولیدکننده ایرانی همچنان گرفتار تولید است؛ مواد اولیه را به سختی به‌دست می‌آورد، وام گرفتن و فناوری به‌سختی انجام می‌شود و... باید به این امور نظم و نظامی بخشید. ضروری است تولیدکننده را از عوامل گریبانگیر تولید رها کرد و موانع رفع شود تا تولیدکننده برای بازاریابی و توسعه فروش حرکت کند زیرا ارزش‌افزوده اصلی در حوزه فروش و بازاریابی است در حالی که ما تولیدکننده خود را تبدیل به کارپرداز، مامور وصول مطالبات دارایی و تامین اجتماعی کرده‌ایم.

اصلاح این امور در دولت دوازدهم راه توسعه را برای تولید داخل هموار خواهد کرد.

شرایط اقتصادی جامعه چالش‌هایی را فراروی دولت گذاشته که باعث می‌شود دولت مسیر همواری پیش‌رو نداشته باشد؛ شکاف طبقاتی و فقر، رکود، بیکاری و... از جمله چالش‌هایی است که دولت دوازدهم با آنها دست و پنجه نرم می‌کند

سیدمحمدحسن سیدزاده
industry@sanatnewspaper.com

اقتصاد مهم‌ترین فصل انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم بود که جامعه را با انبوهی از وعده‌ها و برنامه‌های مختلف اقتصادی از سوی نامزدها مواجه کرد اما در نهایت در ۲۹ اردیبهشت مردم با حضور بی‌سابقه در پای صندوق‌های رای به ادامه دولت یازدهم رای دادند، به عبارت دیگر مردم با وجود نندهایی که به عملکرد دولت یازدهم دارند به ادامه سیاست‌ها و روند جاری کشور رای دادند دولت یازدهم با دو رویکرد کاهش تنش‌های بین‌المللی و اصلاحات اقتصادی ۴ سال اول خود را پشت سر گذاشت و موفقیت‌های به دست آمده در این مسیر نیز باعث شد تا مردم در مقابل وعده‌های نجومی و عوام‌فریبانه جناح رقیب به او دوباره اعتماد کنند.

اکنون دولت دوازدهم از پشتوانه مردمی بیشتری نسبت به دولت گذشته خود برخوردار است به همین دلیل در مسیر اصلاحات اقتصادی می‌تواند گام‌های موثرتری بردارد اما شرایط اقتصادی جامعه چالش‌هایی را فراروی دولت گذاشته که باعث می‌شود دولت مسیر همواری پیش‌رو نداشته باشد؛ شکاف طبقاتی و فقر، رکود، بیکاری و... از جمله چالش‌هایی است که دولت دوازدهم با آنها دست و پنجه نرم می‌کند. در همین راستا گسترش صنعت در گفت‌وگو با دکتر محمود جام‌ساز، اقتصاددان و استاد دانشگاه دلایل اعتماد دوباره مردم به دولت حسن روحانی و چالش‌های پیش‌روی دولت دوازدهم را بررسی کرده است که می‌خوانید:

● **دلیل اعتماد دوباره مردم به دولت حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری و رای قابل توجه به برنامه‌های اقتصادی دولت یازدهم چیست؟**

انتخاب آقای روحانی بیشتر از آنکه مربوط به وعده‌های اقتصادی باشد مطلوب به واکنش منفی جامعه نسبت به جناح‌های مخالف روحانی بود زیرا



سیدمحمدرضا سیدنوروزی
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

مشکلات موجود در اقتصاد ایران مربوط به اجرا نشدن درست قانون‌های اقتصادی است. فارغ‌التحصیلان در دانشگاه‌ها باید دانش خود را به پول و اقتصاد مالی تبدیل کنند و صرف انجام چند آزمایش و نتایج آن و نوشتن پایان‌نامه کافی نیست و باید آن را در چرخه اقتصادی وارد کنند. در حال حاضر واردات و صادرات ازجمله معضلات ایران بوده به طوری که تمامی روغن‌های مصرفی و همچنین کره و حتی کچالو دانه‌های روغنی وارداتی است در حالی که فارغ‌التحصیلان ایرانی به‌آسانی می‌توانند آنها را با در اختیار داشتن امکانات اندک با کیفیت مطلوب تولید کنند. اگر برای تولید برنج در ایران از سموم کمتری استفاده شود می‌توان طول عمر انسان‌ها را در زمان پیری افزایش داد و به اقتصاد جامعه کمک می‌کند. نظام

در گفت‌وگوی «گسترش صنعت» با محمود جام‌ساز مطرح شد

ریشه‌کن کردن فقر با حذف تدریجی یارانه‌ها

مردم برای ۲۳ میلیونی به افزایش یارانه‌ها «نه» گفتند

تعداد آرای مایه‌خود نشان می‌دهد که مردم حتی در دورافتاده‌ترین روستاها از جمله در سیستان و بلوچستان که محروم‌ترین اقشار جامعه را دربردارد به یارانه «نه» گفتند. البته در این زمینه نمی‌توان نقش وسیع شبکه‌های اجتماعی را نادیده گرفت که هر روز بر قدرت افشاگری و انتشار اخبار آنها افزوده می‌شود و قدرت‌های آمره هم قادر به جلوگیری و فیلتر آن به طور کامل نیستند. البته مسائل اقتصادی به دلیل فشارهای ناشی از تحریم‌های بین‌المللی از یک سو و سوءمدیریت دولت‌ها در مدیریت اقتصاد از سوی دیگر که در واقع باید خارج از محدوده وظایف کلاسیک آنان باشد در نگاه و مطالبات مردم نقش بسیار مهمی ایفا نمود ولی همان‌طور که مشخص بود دو نفر از نامزدهای انتخابات وعده‌های اقتصادی بسیار فریبنده‌ای به مردم می‌دادند و تو خالی بودن این وعده‌ها چنان آشکار بود که مردم به آن توجهی نکردند.

● **با تقویت پشتوانه مردمی دولت و کسب ۲۳ میلیون رای دولت در زمینه اقتصادی چه گام‌های جدی‌تری می‌تواند بردارد؟**

آقای روحانی در حال حاضر با کسب اکثریت آرا از آنچنان قدرت مردمی برخوردار شده که می‌تواند از موضع نیرومندی نسبت به سروسامان دادن اقتصاد و شرایط اجتماعی و فرهنگی احاد جامعه اقدام کند.

به‌ویژه آنکه شورای شهر هم از فهرست امید انتخاب شده و اکثریت مجلس نیز همسو با رییس‌جمهور است. این ویژگی در دولت دوازدهم یک ظرفیت قابل اعتنا در اختیار دولت قرار داده است. استفاده از این ظرفیت در مرحله نخست مستلزم توسعه اقتصادی از روند درست برخوردار شوند هم رشد اقتصادی افزایش می‌یابد و هم اشتغال افزون می‌شود

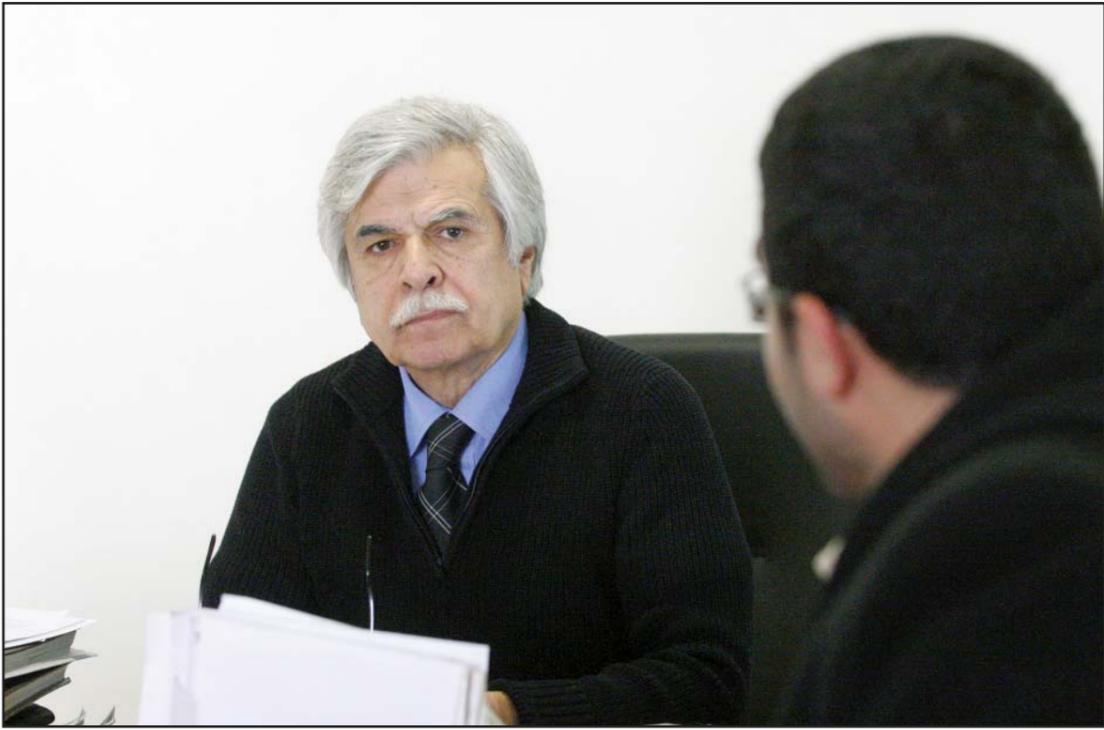
یارانه‌های نقدی باید با برنامه‌ریزی مبتنی‌بر اصول علم اقتصاد

به‌تدریج قطع شود زیرا چنانچه برنامه‌های توسعه اقتصادی از روند درست برخوردار می‌شود و درآمد ملی بالا رود در نتیجه کم‌کم اقساار تهیدست از این درآمد نهان و آشکار انسانی و مادی کشور، ایجاد زمینه‌های امنیت اقتصادی مالی و سیاسی، اصلاح نظام بانکی همسو با نظام بانکداری بین‌المللی، خشکاندن ریشه‌های فساد اقتصادی مالی و بانکی،

بخش خصوصی نباید فدای اصلاحات روبنایی شود. اصلاحات روبنایی هیچ‌گاه قادر به حذف معضلات بنیادین اقتصادی کشور نیست. پس تیم اقتصادی رییس‌جمهور باید بین اقتصاد بازار رقابتی و ادامه فعالیت در ساختار اقتصاد دولتی ایدئولوژیک یکی را انتخاب کند. تا زمانی که روند اصلاحات از مسیر اقتصاد دولتی بگذرد متأسفانه پیش‌بینی وضعیت بهینه اقتصاد در آینده تهدیدآمیز خواهد بود.

● **چالش‌های فراروی دولت دوازدهم شامل چه بخش‌هایی می‌شود و راهکار مناسب برای رویارویی با این چالش‌ها چیست؟**

چالش‌های فراروی دولت دوازدهم به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دیپلماسی خارجی بسیار بحث‌برانگیز است. در بحث اقتصاد داخلی فقر، بیکاری، رکود، فساد و قاچاق از اهم معضلات کنونی است که بسیاری از احاد جامعه را تحت فشار طاقت‌فرسای خود قرار داده و زندگی را به کام مردم تلخ ساخته است. خط فقر در سال‌های گذشته همچنان رو به افزایش بوده و اکنون به اعتبار گفته برخی از مقامات رسمی بیش از ۴۰ درصد احاد جامعه زیر خط فقر زندگی می‌کند. برای از بین بردن فقر مطلق که آقای روحانی قول آن را داده لازم است همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد به تغییرات بنیادین اقتصادی اندیشه کنند سپس لوازم مورد نیاز توسعه اقتصادی کشور را فراهم کنند. این مهم از ضروری‌ترین لوازم ایجاد مسیر توسعه اقتصادی است که باید براساس اقتصاد بازار آزاد و رقابتی باشد. پس از آن باید در جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، دستیابی به فناوری‌های مدرن، تلاش برای افزایش بهره‌وری، استفاده بهینه از ظرفیت‌های نهان و آشکار انسانی و مادی کشور، ایجاد زمینه‌های امنیت اقتصادی مالی و سیاسی، اصلاح نظام بانکی همسو با نظام بانکداری بین‌المللی، خشکاندن ریشه‌های فساد اقتصادی مالی و بانکی،



حذف بسیاری از قوانین و شیوه‌نامه‌های بازدارنده اقتصادی، بهبود محیط کسب‌وکار و در نهایت تقویت نقش خصوصی مولد گام برداشت.

● **دولت دوازدهم در زمینه دیپلماسی خارجی با چه چالش‌هایی روبه‌رو خواهد شد؟**

از منظر دیپلماسی خارجی دولت دوازدهم لازم است همان‌طور که رییس‌جمهور هم بیان کرده با حفظ منافع ملی در جهت همبستگی مسالمت‌آمیز و ایجاد روابط بین‌المللی و منطقه‌ای براساس قوانین و ضوابط بین‌المللی نسبت به کاهش و زدودن تنش‌های خارجی اقدام کند به نحوی که در اثر ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی از لحاظ تجارت خارجی کشور از انزوا خارج شود تا بتواند با استفاده از قدرت محوری بخش خصوصی تراز تجاری خود را همواره مثبت کند و تولید داخلی تقویت و اشتغال ایجاد و درآمد ملی افزون شود و بیکاری به‌شدت کاهش پیدا کند.

● **یکی از برنامه‌های مهم دولت با توجه به تأکیدات رهبر معظم انقلاب ریشه‌کن کردن فقر مطلق تا سال ۱۴۰۰ است. دولت با چه ابزارهایی می‌تواند در کوتاه‌مدت و بلندمدت با فقر در جامعه مبارزه کند؟**

در تمام جوامع دولت‌ها برای کمک به خانواده‌های مسکین و تهیدست به طور معمول از کمک‌های جبران تومی استفاده می‌کنند که گاهی این کمک‌ها به‌صورت نقدی و گاهی به‌صورت کالایی است اما این روند بدون مشارکت احاد جامعه در تولید و خدمات راه به جایی نخواهد برد. یارانه‌های نقدی باید با برنامه‌ریزی مبتنی‌بر اصول علم اقتصاد به‌تدریج قطع شود زیرا چنانچه برنامه‌های توسعه اقتصادی از روند درست برخوردار شوند هم رشد اقتصادی افزایش می‌یابد و هم اشتغال افزون می‌شود و درآمد ملی بالا می‌رود در نتیجه کم‌کم اقساار تهیدست از این درآمد ملی در اثر نتیجه کار خود بهره‌مند شده و دارای قدرت خرید مناسب برای زندگی بهتر می‌شوند. بنابراین هدف اصلی تولید و رشد اقتصادی اشتغال است. اگر این روند به نحو اساسی پیش رود آینده خوبی در انتظار جامعه به‌ویژه طبقات مستضعف خواهد بود.

قوانین اقتصادی به درستی اجرا نمی‌شود

معادن و تجارت، محیط‌زیست و بخش کشاورزی ۳ حلقه برای بررسی منابع کسب و کار است، این ۳ بخش باید برای افزایش بخش اقتصادی در کشور با همدیگر همکاری لازم را داشته باشند، اگر این صنایع بتوانند همکاری کنند، بخش تولید و اشتغال در راستای هم ایجاد می‌شود. رسانه‌ها می‌توانند با بیان مشکلات در کشور مسئولان را هوشیار کنند که دستگاه‌های نظارتی با اجبار به دستگاه‌های اجرایی آنان در اجرای درست فعالیت‌های اقتصادی خود و علت کاهش عملکرد خود پاسخگو باشند. برای ایجاد جامعه پویا باید فرزندان خود را از خانه مسئولیت‌پذیر پرورش دهید و در مدارس نیز معلمان باید مسئولیت‌های مهم را به دانش‌آموزان دهند تا در آینده آنان افرادی موفق در جامعه شوند. نهادهای دولتی که واردکننده هستند، تبلیغات در این زمینه انجام ندهند و باید برای رشد اقتصادی جلوی واردات را بگیرند تا تولیدکنندگان دچار ورشکستگی نشوند. هر مشکلی نباید با پول حل شود بلکه باید رابطه کارفرما با کارگر درست شود و اگر رابطه‌های انسانی در کار حل شود، مسئولیت‌پذیری کارگر در آن کار افزایش می‌یابد.

مالی کشور به شدت آسیب‌پذیر است. با توجه به اینکه بانک صادرات نماد صادرات کالاهای ایرانی است اما در حال حاضر این بانک تعطیل بوده که این خود یعنی در خلاف جهت اقتصاد مقاومتی حرکت کردند. یکی دیگر از مشکلات کشور ایران دیپلماسی آب است، در کشور ایران سدهای زیادی ساخته و از این آب تنها برای تولید برق استفاده می‌شود اما کانال‌هایی برای انتقال این آب به زمین‌های کشاورزی وجود ندارد و اگر هم باشد ناقص است به عنوان مثال در استان سمنان با مکانیزاسیون بخش کشاورزی می‌توان ۵۰۰ میلیون مترمکعب در مصرف آب صرفه‌جویی کرد. برای مکانیزه کردن بخش کشاورزی نیاز به ۸ هزار میلیارد تومان بودجه است که معادل ۲ تا ۳ ماهه یارانه دهک‌های بالای جامعه است چراکه دهک‌های بالای جامعه نیازی به این مقدار یارانه ندارند و می‌توان از این منابع برای مکانیزاسیون بخش کشاورزی استفاده کرد اما همچنان کشاورزی مغفول ماند. محروم‌ترین صنایع در کشور صنعت نفت است، می‌توان صنعت نفت را بروزسانی و در صنایع دیگر و از فرآورده‌های آن استفاده کرد که این چنین نیست. بخش صنعت و